

## ظهور داعش و تاثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

اردشیر سنایی<sup>۱</sup>

استادیار روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

مونا کابانپور

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(تاریخ دریافت ۹۵/۳/۱۱ - تاریخ تصویب ۹۵/۵/۲۲)

### چکیده

شروع هر بحرانی بستر و ریشه های مختلفی از جمله عوامل تاریخی، ژئوپلیتیکی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. گاهی دولتها در مناسبات بین المللی، در راستای دست یابی به منافع خود و یا جلوگیری از به خطر افتادن امنیت و ثبات کشور خود، اقدام به محدود کردن اثرپذیری خود از گروههای تروریستی می کنند. داعش خشن ترین تشکیلات تروریستی در بین همه گروههای مسلح برجسته در منطقه خاورمیانه است. پس از حمله آمریکا به عراق، شاخه القاعده در عراق پایه گذار داعش شد. پس از آنکه نا آرامی های سوریه شدت گرفت، داعش از عراق به سوریه هم وارد شد. ظهور داعش در عراق و سوریه تبعات مختلفی در خاورمیانه و سپس در اغلب نقاط دنیا به همراه داشت. کشورهای گوناگونی نیز با پدیده داعش درگیر شده و به ناچار در مقابل آن به تدابیر مختلفی دست زدند. در این میان جمهوری اسلامی ایران به طور مستقیم با داعش در تقابل قرار گرفت زیرا داعش علاوه بر اینکه تمامیت ارضی و

رژیم‌های سیاسی متحدان منطقه ای ایران را به چالش کشید؛ تهدید امنیتی و ایدئولوژیکی برای ایران نیز به شمار می‌رفت. لذا سیاست خارجی ایران تحت تاثیر ظهور داعش ناچار به اعمال راهکارهایی برای مقابله با آن شد. این مقاله سعی دارد با استفاده از چارچوب سازه‌نگاری به بررسی ظهور پدیده داعش و تاثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی در منطقه و سطح بین‌الملل بپردازد.

**واژه‌های کلیدی:** داعش، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تروریسم، خاورمیانه.

**مقدمه**

از مسایل مهم در تصمیم‌گیری سیاست خارجی، ارتباط یک کشور با سایر کشورها، شناخت محیط بیرونی و عوامل موثر بر آن است. در دنیای معاصر که همه کشورها برای داشتن تعاملات سودمند تلاش می‌کنند، داشتن یک سیاست خارجی موثر مورد نیاز است. از آنجاکه در این مقاله هدف بررسی ماهیت ظهور داعش و تاثیر آن بر اقدامات و تصمیمات جمهوری اسلامی ایران در بعد ملی، منطقه ای و بین‌المللی است، باید منبع و منشا اصلی تصمیمات سیاست خارجی جمهوری اسلامی را شناخت و مورد ارزیابی قرار داد. با توجه به ظهور داعش و تاثیر آن در فضای منطقه ای و فرا منطقه‌ای، همه کشورها در راستای دستیابی به منافع ملی خود تلاش می‌کنند. طیف گسترده‌ای از بازیگران منطقه ای و فرا منطقه ای که از گروه‌های مختلف تغذیه می‌شوند و ملیت‌های متنوعی دارند، در منطقه فعال شده‌اند. در این شرایط ایران چگونه می‌تواند برای داشتن منافع حداکثری در فضای بین‌المللی با سایر قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی رقابت کند (کسرایی، ۱۳۹۳، ۲).

داعش جریانی خشونت طلب و تندرو که سودای احیای خلافت اسلامی دارد. جریانی که در کوتاه مدت توانست به فتوحات چشمگیری دست یابد و از سوریه به عراق رفته و بخش‌هایی از سرزمین عراق را هم اشغال کند. در نهایت رهبر داعش خود را خلیفه مسلمانان جهان نامید و از همه پیروان ادیان دیگر خواست که از آنها پیروی کنند (عباسی، ۱۳۹۳، ۳).

داعش یکی از انشعابات القاعده و به صورت مشخص‌تر، یکی از انشعابات جبهه النصره است، که شاخه ای از القاعده بود و در سوریه فعالیت می‌کرد. سازمان القاعده در اوایل دهه ۱۹۹۰ شکل گرفت و شکل‌گیری اش بر اساس تئوری خاص دینی و سیاسی بود. نیروهای القاعده در این دهه تحولات مختلفی را پشت سر گذاشتند: مدتی در سودان بودند، سپس به افغانستان رفتند تا اینکه در سال ۲۰۰۱ حمله یازده سپتامبر

شکل گرفت. بعد از سقوط صدام در عراق، القاعده عراق به رهبری زرقاوی تاسیس شد. پس از تحولات کشورهای عربی و شروع جنگ داخلی در سوریه یکی از اصلی ترین گروههای مخالف که اتفاقاً مسلحانه هم عمل میکرد، جریان القاعده بود که نامشان را جبهه النصره گذاشتند. پس از مدتی این جریان هم انشعاب کرده و داعش شکل گرفت (مسجد جامعی، ۱۳۹۵، ۴۵۶).

بحران داعش که از پر اهمیت ترین چالش ها در عرصه سیاست خارجی کشورهای مختلف از جمله جمهوری اسلامی ایران است تاثیرهای مختلفی بر سیاست خارجی ایران برجای گذاشته است. سوال اصلی این مقاله عبارت است: ظهور داعش چه تاثیری بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سطوح مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی داشته است؟ در راستای پاسخ به این سوال ابتدا به بحث تئوریک در سیاست خارجی پرداخته، سپس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته و بعد از معرفی داعش و چگونگی شکل‌گیری آن در سه بعد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی اثرات این گروه بر سیاست خارجی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌انگاری

سیاست خارجی دولتها در چارچوب سازه‌انگاری در قالب نظریه‌های تأسیسی قرار می‌گیرند. بر اساس این دیدگاه واقعیت‌ها و روابط میان ملت‌ها از طریق زبان، ایده‌ها و مفاهیم ایجاد شده، شکل می‌گیرد. از دیدگاه سازه‌انگاری، بازیگران و ساختارها پیوندهای متقابلی دارند. هویت‌ها و منافع امری اساسی برای سطوح توانایی محسوب می‌شوند تا بتوانند تاریخ را پیش‌بینی و نظم را تأمین کنند. سازه‌انگاران فرض اصلی تئوری عقل‌گرایان را رد می‌کنند و این نظر که بازیگران اولویت‌های تعیین شده خود را بر منطق استنتاجی پیگیری می‌کنند را رد می‌کنند. از دید سازه‌انگاران، هنجارها به هویت و اولویت‌های بازیگران، شکل می‌دهند و اهداف جمعی را تعیین می‌کنند. سازه

انگاری فراملی تاکید خود را بر تاثیر هنجارهایی می‌گذارد که از سوی جامعه بین‌الملل یا زیر مجموعه های آن به طور مشترک استفاده می‌شود. سازه انگاری بر این اصل تاکید می‌کند که بازیگران سیاست خارجی به هنجارهای بین‌المللی گردن می‌نهند، لذا این ادعای واقع‌گرایی را که سیاست خارجی یک کشور متناسب با افزایش یا کاهش قدرت تغییر می‌کند را رد می‌کند.

از دیدگاه این مکتب قدرت یک هنجار یعنی میزان تاثیر گذاری بر رفتار سیاست خارجی به دو عامل بستگی دارد:

۱- تشابه، یعنی چه تعداد از بازیگران یک نظام اجتماعی، پیش‌بینی ارزش مشترکی از رفتار دارند، بنابراین قدرت الزام یک هنجار بستگی به میزانی دارد که از سوی واحدهای درون یک نظام اجتماعی و به صورت مشترک استفاده می‌شود.

۲- صراحت، یعنی یک هنجار تا چه اندازه دقیق می‌تواند رفتار متناسب را از رفتار نامتناسب تشخیص دهد (فلاحی، ۱۳۸۰، ۴۵).

رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران فرهنگ محور است، لذا به نظر می‌رسد سازه انگاری که در بر گیرنده نظریه های عقلایی و تلفیقی است، بتواند توضیح دهنده باشد (هادیان، ۱۳۸۲، ۱۵).

یکی از مفاهیمی که در مکتب سازه انگاری به روی آن تاکید زیادی شده است، مفهوم هویت است. از نظر طرفداران این رویکرد زمانی به بحث منافع ملی می‌رسیم که دارای هویت باشیم، بنابر این منافع و هویت ما در قالب جمع معنا پیدا می‌کند و رابطه میان آن دو در قالب مفهوم یک نقش تحلیل می‌شود. هویت جمهوری اسلامی ایران هم در دفاع از مسلمانان و بخصوص شیعیان است. رهبر انقلاب اسلامی رهبر همه شیعیان در دنیا است. حمایت از عتبات عالیات خط قرمز جمهوری اسلامی است. بنابراین هویت جمهوری اسلامی ایران اقتضا می‌کند که در عراق و سوریه حضور داشته و در راستای حفظ محور مقاومت اقدام نماید (پرهوده، ۱۳۹۱، ۴۵).

بنابر این سیاست خارجی جمهوری اسلامی در ارتباط با عراق و سوریه با توجه به اصول مندرج در قانون اساسی و با توجه به هنجارها و ارزشهای فرهنگی و تاریخی در قالب هویت اسلامی آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در واقع ارزش‌های اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از عناصر تعیین‌کننده در سیاست‌گذاری کلان مطرح است.

بررسی تاریخ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و رویه‌های موجود در سه دهه گذشته حاکی از آن است که هویت‌های متعدد و شناوری را می‌توان در دایره عملکرد آن جستجو کرد که از آن جمله می‌توان به استکبار ستیزی، دفاع از حقوق مستضعفین، حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش، طرفداری از صلح و امنیت دایمی و پایدار اشاره کرد. هویت ایران بر اثر هنجارهای اسلامی و بیرونی شکل گرفته و تحقق یافته است.

رویکرد سازه‌انگاری روش مناسبی جهت شناخت و تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی در ارتباط با تحولات این دو کشور است. چرا که نقش عوامل هویتی و غیر مادی از قبیل مذهب، فرهنگ، علائق مشترک و حتی تاریخ قابل تبیین است. ظهور داعش و ریشه‌های شکل‌گیری داعش یکی از رادیکال‌ترین گروه‌های اسلام‌گرا در خاورمیانه است. «دولت اسلامی در عراق و شام» معروف به داعش در آوریل ۲۰۱۳ میلادی (اردیبهشت ۱۳۹۲) به طور رسمی حضور خود را در صحنه درگیری‌های خونین در کشور سوریه اعلام کرد. داعش متشکل از سه چیز است: گروه تروریستی فراملیتی، دولتی بدوی و ایدئولوژی سیاسی با ریشه‌های دینی. این گروه پس از تجاوز آمریکا به عراق، از القاعده منشعب شد و همانند القاعده به اسلام‌گرایان سنی منتسب است. جهاد داعش نه تنها علیه کفار است بلکه شامل شیعیان و صوفی‌ها هم می‌شود، زیرا بر مبنای اندیشه تکفیر معتقدند که آنها مسلمان واقعی نیستند. (Cockburn, 2015, 5)

گروه تروریستی داعش هدف اصلی خود را تشکیل امارات اسلامی با اندیشه سلفی در سوریه و عراق می‌داند. اهداف راهبردی داعش عبارتند از: ۱- تشکیل خلافت اسلامی با اولویت شامات و گسترش جغرافیایی خلفای عباسی. ۲- ریشه کنی مذهب تشیع. پس از حمله امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ به بهانه مبارزه با تروریسم، شاخه القاعده در عراق به رهبری ابومصعب زرقاوی فعال شد. این گروه بین سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ به شدت ضعیف شد تا اینکه در سال ۲۰۱۰ میلادی موضوع بحران حاکمیت در سوریه پیش آمد و در همین زمان ابوبکر بغدادی رهبر گروه تروریستی شد و با خشونت بیشتر به قتل و غارت مردم پرداخت.

دوران تصدی البغدادی با ناآرامی های سوریه در سال ۲۰۱۱ همزمان شد. به این ترتیب او از این فرصت استفاده کرد. تعمیم فعالیت ها به سوریه سبب شد که سرنوشت داعش تنها به عراق وابسته نگردد، یعنی اگر داعش در عراق با ناکامی مواجه شده می توانست با فعالیت در سوریه به حیات سیاسی و نظامی خود ادامه دهد. از طرف دیگر حضور در سوریه به داعش اجازه می داد تا از کمک های خارجی دولت های مخالف رژیم بشار اسد نظیر عربستان، کویت، قطر و ترکیه بهره مند گردد. حضور در سوریه به داعش کمک میکرد تا نیروهای سوری و غیر سوری را که علاقمند به مبارزه با دولت اسد بودند را جذب نماید و به این ترتیب پایه های دولت اسلامی عراق و شام را بهبود بخشد.

ورود به عرصه سوریه به بغدادی کمک می کرد تا به اهداف ایدئولوژیک داعش یعنی از بین بردن مرزهای استعماری میان کشورهای اسلامی پایان دهد و یک گام مهم به سوی ادغام مبارزه در کشورهای مختلف اسلامی برداشته و به هدف غائی خود مبنی بر تشکیل خلافت واحد اسلامی نزدیک گردد (پورگن، ۱۳۹۴، ۴۵).

### اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

تحلیل سیاست خارجی به دسته ای از فرآیند های پیچیده و چند لایه اشاره دارد که در سطح حکومتی رخ می دهد و شامل ریشه یابی اهدافی است که حکومت ها در

روابطشان با دیگر حکومت‌ها تعقیب می‌کنند، همچنین نیز ابزارهایی که جهت دستیابی به اهداف به کار می‌گیرند. پس در این حیطه به مسائلی همچون فرآیندهای جاری در سطح نهاد های رسمی و غیر رسمی حکومت، روند تصمیم سازی و استراتژی انتخاب عقلایی اهداف و وسایل، محیط و سرشت داخلی، کارگزاران، مولفه‌های روانشناختی آنان، تصورات و ایدئولوژی آنها، ژئوپلتیک و جغرافیا پرداخته می‌شوند.

تأثیرپذیر بودن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از ایدئولوژی اسلام با آنچه که در این رویکرد تعریف شده است و طرفداران آن اعتقاد دارند این است که شرایط جاری جهانی مورد اعتنا نیست، بلکه هدف توجه کردن به دیدگاه‌ها و معیارهای اسلامی است. مهم‌ترین منبع برای شناخت اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی، قانون اساسی کشور می‌باشد که با توجه به آنچه که در تقدم و اصول آمده است می‌توان اهداف نظام و نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران را که براساس اصول و ضوابط اسلامی تدوین شده است، بشناسیم (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۸، ۳).

انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ بر پایه ایدئولوژی اسلامی - شیعی شکل گرفت و تحقق یافت. بدین اعتبار نگاه انقلاب و به تبع آن قانون اساسی جمهوری اسلامی به محیط بیرونی خود نگاهی توأم با باورهای اسلامی و بالاخص فرهنگ تشیع بوده و با توجه به رسالت جهانی انقلاب اسلامی، بیشترین توجه و اهمیت را به تحقق اهداف بین‌المللی داده است.

مطابق قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی ایران نظامی بر مبنای توحید است. هدف نهایی و غایی آن حرکت به سوی الله است و مسئول است که با ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی، وحدت همه‌جانبه جهان اسلام را تحقق بخشد (ازغندی، ۱۳۸۹، ۷۴).

اصل ۱۵۳ قانون اساسی عنوان می‌کند: «هرگونه قرار داد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است.»

اصل ۱۵۴ قانون اساسی مطرح می کند: «جمهوری اسلامی ايران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می داند و استقلال و آزادی و حکومت را حق همه مردم جهان می شناسد. بنابر این در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می کند.»

و اصل ۱۵۵ قانون اساسی بیان می کند: «دولت جمهوری اسلامی ايران می تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد، مگر اینکه بر طبق قوانین ايران خائن و تبهکار شناخته شوند.»

مجموعه اهداف سياست خارجي ايران با توجه به قانون اساسی به شکل زیر قابل توضیح است:

#### ۱. تلاش برای برقراری حکومت اسلامی

از نظر مکتب اسلام، دنیا به طور کلی به دو دسته تقسیم می شود. یکی دارالاسلام که سرزمینی است که در آن احکام الهی اسلام اعمال می شود و حاکمیت با مکتب اسلام است و دیگری دارالکفر یا دارالحرب است. که در آن سرزمین نظام حاکم در چارچوب احکام اسلام عمل نمی کند. براین اساس تنها مرزی که اسلام می شناسد مرز عقیدتی است و سایر مرزها نژادی، طبقاتی و جغرافیایی مطرود است.

#### ۲. حراست از استقلال و تمامیت ارضی کشور جمهوری اسلامی ايران

یکی از مهم ترین اهداف سياست خارجي جمهوری اسلامی ايران که در اصل ۱۵۳ قانون اساسی به آن پرداخته شده همانا اتخاذ سياست ها و تدابیری برای حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور می باشد. در همین راستا قانون اساسی بر روی حفظ استقلال و تمامیت ارضی مکررا و به عناوین مختلف تأکید کرده است و مفهوم استقلال را در معنای گوناگون به کار برده است. از جمله در اصل ۹ قانون اساسی آمده است: «در جمهوری اسلامی ايران آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور را از

یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی کشور، آزادی مشروع را هر چند با وضع قوانین مقررات سلب کند». درست است که اسلام مرز نمی‌شناسد و آب و خاک برایش هدف نیست، ولی برای حفظ و حراست از دستاوردهای انقلاب اسلامی و هم‌چنین دفاع از پایگاه اصلی انقلاب و تحقق اهداف جهانی خود امری ضروری و الزامی می‌داند که از هر نوع تجاوز و تعهدی به کشور جمهوری اسلامی ایران جلوگیری کند و باید طوری عمل کند که فکر تجاوز به ذهن دیگر خطور نکند. در حقیقت با دفاع از مرزهای جمهوری اسلامی از مرزهای دارالاسلام حراست کرده است.

### ۳. تأمین سعادت انسان در کل جامعه بشری

آرزوی به روزی بشر از منورترین وجوه و ابعاد هر نظام سیاسی و از جمله اصول مهم و اولیه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. اجرای اهداف مزبور تنها در چارچوب اصل معروف نه شرقی نه غربی امکان پذیر است.

### ۴. صدور انقلاب اسلامی

صدور یا اشاعه انقلاب اسلامی به سایر جوامع یکی از اهداف سیاست خارجی ایران می‌باشد، که این هدف سیاست خارجی صراحتاً و تلویحاً در قانون اساسی و سخنان رهبری جمهوری اسلامی ذکر شده است (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۸، ۵). با این وجود در مورد معنا، مفهوم الگوها، اهداف و ابزار آن اختلاف نظر وجود دارد و از این رو برای ارائه معیارهای مشخص و معین جهت ارزیابی سیاست خارجی ایران در زمینه‌ی صدور انقلاب اسلامی تبیین و تحلیل ابعاد و اهداف و مبانی آن ضروری به نظر می‌رسد.

### تأثیر داعش در بعد ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

با توجه به روی کار آمدن دولت تدبیر و امید، تعریف جدیدی از تعاملات با نظام بین‌المللی در دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران مطرح شد. تعاملاتی که در مرحله جدید مذاکرات هسته‌ای ایران با قدرتهای برتر جهانی، شکل جدیدی از حضور و نفوذ ایران در منطقه را باعث شد. تأکید جمهوری اسلامی در مواجهه عراق و سوریه با داعش مبتنی بر حفظ تمامیت ارضی دو کشور، تامین منافع ملی حداکثری خود و کاهش افراطی‌گرایی در منطقه است.

واقعیت این است که صرف حضور ایران به عنوان یک کشور بزرگ و نیرومند و نیز به عنوان قطب متحدانش و ترس از گسترش نفوذش، جریان‌های مختلفی در منطقه ایجاد و یا تشدید کرده است. ایران در چارچوب تعاملات با کشورهای دیگر می‌تواند ائتلاف ساز باشد. ظهور داعش فرصتهایی برای آزمایش تئوری و عمل جدید سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دولت یازدهم بوده است، که بتواند افراط‌گرایی سنی را کنترل کند و نقش و جایگاه ایران را در این منطقه به ظهور بگذارد.

«توافق ژنو» و «کاهش تنش در روابط ایران با آمریکا» یکی از کلیدهای اصلی و راهگشا در حل و فصل بحرانهای سوریه و عراق است، که هم اکنون در خیلی از موارد به هم گره خورده اند و شاید با کمی اغماض بتوان آنها را در یک مجموعه مورد بررسی قرار داد (اعتماد، ۱۳۹۴، ۲۱ دی، ۲).

به همین دلیل دولت تدبیر و امید اولین و اصلی‌ترین اهداف خود را در حل چالشهای منطقه‌ای و بین‌المللی در گرو حل پرونده هسته‌ای ایران با گفتگوی سازنده با قدرت مطرح جهان (آمریکا) قرار داد و می‌دهد. گروهی از نظریه پردازان حتی معتقدند که جمهوری اسلامی ایران در استراتژی یعنی رسیدن به هدف حفظ حاکمیت بشار اسد در سوریه موفق تر بوده است. داعش فرصتی فراهم کرد که ایران، آمریکا را علیه تروریسم کنار خودش بیاورد که این مسئله موفقیتی برای ایران محسوب می‌شود، از طرف دیگر بازی برد-برد که اعتقاد تیم مذاکره دولت روحانی در پرونده هسته‌ای

است، در تحولات عراق هم کاربرد دارد.

مهم ترین موضوع رسیدن به راه حل این است که آیا این دو کشور (آمریکا و ایران) برای رسیدن به منافع خود حاضرند با هم تعامل داشته باشند؟ ایران در سیاست خارجی آمریکا در «محور شرارت» قرار داشته است. هم چنین در سیاست خارجی ایران، آمریکا «شیطان بزرگ» نامیده می شود، البته بعد از توافق هسته ای و به نتیجه رسیدن برجام، ایران به همکاری خود ادامه داد، ولی به دلیل نا موفق بودن عملیات هوایی آمریکا، وارد شدن روسیه به مرحله عملیاتی و اینکه ایران، سوریه و روسیه متحد استراتژیک هم محسوب می شوند، گزینه های همکاری برای جمهوری اسلامی ایران متنوع شده است. سفیر سابق آمریکا در عراق اعلام کرده است که پیش از حمله به عراق با ایران رایزنی داشتیم. بنا بر ادعای کتاب جدید «زلمای خلیل زاد» سفیر سابق دوران ریاست جمهوری «جرج بوش» در عراق، افغانستان و سازمان ملل، برخی مقامات ارشد آمریکایی، قبل از حمله ۲۰۰۳ آمریکا به عراق، با مقامات ایرانی درباره آینده عراق رایزنی های محرمانه داشتند. این مقام آمریکایی در کتاب خود مدعی شد که این نشست های محرمانه که با «محمد جواد ظریف» و وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران و نماینده سابق ایران در سازمان ملل در «ژنو» برگزار شده بود، حتی بعد از آنکه آمریکا عراق را اشغال کرده بود، ادامه داشت. این ادعا بسیاری از تحلیل ها در خصوص حدس و گمان های همکاری ایران و آمریکا را تایید می کند. نکته خیلی مهم مصمم بودن بازیگر یعنی (دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران) برای منافع ملی کشور ایران است. خط قرمز برای منافع ملی کشور ایران حفظ تمامیت ارضی کشور عراق است. اصول کلی در منافع وجود دارد و بازیگران منطقه از همه ابزارهای ژئوپلتیک برای رسیدن به اهدافشان استفاده می کنند.

جمهوری اسلامی ایران در مرحله اول اقدام به ارسال کمک به مردم عراق قبل از

ارسال کمک هر کشوری، نمود. مرحله دوم شناخت کشورهای همسو با منافع جمهوری اسلامی ايران مثل روسیه در مبارزه با داعش بود. مرحله سوم برای داشتن قدرت در مذاکرات برای پیشبرد اهداف و مواضع خود و براساس نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ايران، علاوه بر کمک های تبلیغاتی اقدام به ارسال نیروی سپاه قدس به طور مستقیم به عراق و سوریه کرد. جمهوری اسلامی ايران این مسئله را در سياست های اعلامی خود نیز بیان نمود. مسئله ای که بخاطر خشونت های شدید داعش، از سياست پنهانی به سياست های افتخاری برای مردم و مسئولان تبدیل شده است.

در مرحله چهارم تبدیل جمهوری اسلامی ايران از یک کشور حامی تروریست در منطقه، به کشوری قدرتمند و تاثیر گذار که خود مستقل از نفوذ ابر قدرت هایی مثل امریکا و روسیه تصمیم گیری می کند، است. ايران در مورد چگونگی مبارزه با داعش بخاطر موفقیت های نظامی نیروی زمینی و حضور فعال و موفق در دو کشور عراق و سوریه در کنار موفقیت های بین المللی مثل برجام و گشودن دروازه های خود برای ارتباط موثر و منفعت محور با کشورهای اروپایی و امریکا هست (برزگر، ۱۳۹۴، ۳).

هدف سياست خارجي جمهوری اسلامی ايران این است که در مواجهه با داعش، نفوذ و مدیریت خود را در کشورهای بحرانی ادامه دهد و تا جایی که می تواند با کشورهای منطقه ای برای جلوگیری از افراطی گری و بازگشت صلح و ثبات به منطقه، همکاری کند و همچنین مداخله خارجي را مدیریت کند.

هم اکنون در کشورهای بحرانی عراق و سوریه یک حلقه بین المللی شامل امریکا و روسیه و بازیگران فعال منطقه مثل عربستان و ترکیه و بازیگران ذی نفع که منتظر نتیجه منازعات هستند و هر کدام برای رسیدن منافع ملی خود از بحران داعش استفاده می کنند (ایسنا، ۱۳۹۳، ۱ خرداد).

### تاثیر داعش بر بعد منطقه ای سياست خارجي جمهوری اسلامی ايران

۱. حضور پررنگ در عراق در جهت جلوگیری از پیشروی داعش.

۲. تلاش برای حفاظت از اماکن مقدس عراق در مقابله با داعش.
  ۳. ارتباط بیشتر با اقلیم کردستان عراق در جهت جلوگیری از پیشروی داعش در اقلیم.
  ۴. سازمان‌دهی نیروهای شبه نظامی و مردمی شیعی در عراق برای مقابله با داعش.
  ۵. انجام فعالیت مستشاری در ارتش عراق برای مقابله با داعش.
  ۶. تقویت حضور نظامی مستقیم در داخل خاک عراق در مجاورت مرزهای ایران.
  ۷. تغییر حمایت از دولت نوری مالکی به وادار کردن او برای کنار رفتن از قدرت در جهت روی کار آمدن حکومت مرکزی مقتدر شیعی که مورد توافق همه عراقی‌ها باشد.
- تاثیر داعش بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سوریه به شرح زیر می باشد:
۱. نزدیکی هر چه بیشتر ایران به حزب الله در جهت مقابله با پیشروی داعش در سوریه.
  ۲. افزایش حضور مستشاری و کمک به ارتش سوریه برای مقابله با داعش.
  ۳. حفاظت از اماکن مقدس سوریه.
  ۴. رایزنی گسترده با روسیه و چین در جهت حمایت از بشار اسد در مقابله با داعش.
  ۵. پیوستن به ائتلاف ضد داعش در سوریه شامل روسیه، عراق، سوریه و حزب الله.
  ۶. اجازه حملات نظامی موشکی روسیه علیه داعش از طریق فضای ایران.
  ۷. پیوستن به جریان مذاکرات سیاسی حل و فصل بحران سوریه در وین پس از برجام.

#### تاثیر داعش بر بعد بین المللی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

همسایگی جمهوری اسلامی ایران با عراق و سوریه در کنار این نکته که در شرایط

پسا تحریم کشورهای جهان به سمت همکاری با ایران برای حل مشکلات بین‌المللی از جمله بحران امنیتی داعش در منطقه و جهان روی آوردند، بر اهمیت بررسی تاثیر حضور و دخالت ابر قدرت ها در بحران داعش بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران افزوده است. ایران در منطقه آشوب زده ای قرار دارد ولی می تواند ثبات و اقتدار خود را حفظ کند و توافق هسته‌ای هم بر قدرت ایران افزوده است (خبر آنلاین، ۱۳۹۳، ۱ شهریور).

حسن امیر عبد الهیان، معاون عربی و آفریقایی وزارت خارجه ایران معتقد است که ایران متوجه شده بود که از حدود سال ۲۰۱۳، روس‌ها قصد حضور در سوریه را دارند. وی معتقد است که تحولات اوکراین موجب شد که روس‌ها برای حفاظت از حیثیت و شرف ملی خودشان سیاست‌های خاورمیانه ای خود را تحرک بخشند و متحدین خود را دریابند. اشتراکات زیادی میان مبارزه ایران و روسیه است، اول اینکه که دنیا باید بداند این دو کشور متحدان خود را تنها نمی‌گذارند. دوم اینکه این تئوری نباید اصلا جا بیفتد که گروه‌های تروریستی می‌توانند یک نظام سیاسی را سرنگون کنند. سوم اینکه خط قرمز ایران و روسیه، حفظ نظام سیاسی سوریه است. در سوریه بشار اسد بسیار مهم است. نکته آخر اینکه جمهوری اسلامی ایران از سوریه و مردم آن و معارضان سوری معتقد به راه حل سیاسی، دفاع می‌کند. در مقابل بشار اسد هم تا حدودی نظرات تهران را می‌پذیرد و بحث اصلاحات سیاسی پذیرفت. تعدادی از زندانیان سیاسی را آزاد کرد. اصلاح قانون اساسی را اعلام کرد. نکته مهم اینکه ایران هم نمی‌خواهد که بشار اسد رئیس جمهور دایم در سوریه باشد (سایت انتخاب، ۱۳۹۳، ۲ آبان).

بسیاری از تحلیل گران معتقدند که اقدامات مشترک ایران و روسیه مانع از حمله نظامی آمریکا به سوریه شده است. تا قبل از آن امریکایی‌ها برای حمله به سوریه لحظه شماری می‌کردند.

اجرای شدن برجام در پرتو روابط متعادل با قدرت های جهانی ظرفیت ژئوپلیتیک

جدیدی به سیاست خارجی ایران می‌دهد که می‌تواند در خدمت توسعه اقتصادی کشور و ثبات منطقه ای قرار بگیرد. حل بحران داعش در این راستا در زمره ثبات منطقه‌ای محسوب می‌شود. منطق رویکرد ژئوپلتیک بیشتر بر ضرورت تثبیت موقعیت و نقش ایران در معادلات سیاسی امنیتی منطقه و جهان قرار دارد. بر این معنا، استراتژی امنیت ملی ایران به خصوص در حوزه‌هایی که ارتباط مستقیم با مفهوم تردید دارد، همانند سایر کشورها همچون آمریکا، ترکیه و عربستان در اولویت سیاست خارجی است. از این لحاظ برجام با ایجاد یک ظرفیت جدید نقش ایران را در معادلات ژئوپلتیک خاورمیانه افزایش داده و لذا باید از فرصت به دست آمده در معضلات و تهدیدات استراتژیک با غرب به خصوص آمریکا نهایت استفاده را کرد. از لحاظ عملی رویکرد ژئوپلتیک با مفهوم نقش ثبات بخش ایران در رویکرد سیاست خارجی ارتباط می‌یابد.

چالش مخالفت های منطقه ای به خصوص از سوی عربستان و تا حدودی ترکیه است که بر جنبه منفی برجام بر جایگاه منطقه ای خود تاکید می‌کنند. نگرانی اصلی این دو کشور از بهبود روابط ایران و قدرت های اروپایی و به خصوص آمریکا و پذیرش واقعیت اجتناب ناپذیر نقش منطقه ای ایران است که از نظر آنها توازن قدرت را به ضرر آنها بهم می‌زند. عربستان و ترکیه همچنین نگران نزدیکی روسیه به ایران هستند. با رفع تحریم‌های بین المللی، روسیه تجارت تسلیحاتی و مبادلات اقتصادی با ایران را از سر می‌گیرد، پس از نظر اقتصادی روابط ایران و روسیه به نفع روسیه است. افزایش قدرت منطقه‌ای ایران بر نقش ثبات بخش ایران در منطقه می‌افزاید. که این خود در اولویت روابط روسیه هم می‌باشد. بر این مبنا، سعودی‌ها که به ناچار مجبور شدند که به طور رسمی برجام را بپذیرند، اکنون با یک تغییر استراتژیک سعی دارند، اثرات مثبت برجام در تقویت جایگاه ژئوپلتیک ایران را از طریق تشدید فشارها در کنگره و سنای آمریکا برای اعمال تحریم‌های جدید و جلوگیری از اعطای امتیازات جدید به ایران

محدود کنند. طبق گزارشهای اخیر سعودی‌ها یازده میلیون دلار برای لابی کردن علیه سرمایه‌گذاری در ایران هزینه کردند.

دولت اردوغان هم با نگاهی بد بینانه اجرایی شدن برجام را مساوی افزایش نقش ایران در منطقه و به ضرر منافع منطقه‌ای خود به خصوص در بحران سوریه می‌بیند. به همین دلیل این دو کشور سعی کرده‌اند جبهه واحدی علیه ایران شکل دهند. تشدید تنش ژئوپلیتیک به نفع ایران نیست. ورود سرمایه‌گذاری خارجی و رونق اقتصادی نیاز به ثبات در منطقه دارد. این خود نیازمند رفع تنش‌های منطقه‌ای با عربستان و ترکیه در حوزه بحران‌های عراق و سوریه به خصوص حل بحران داعش هست. همزمان اهمیت اصلی ایران برای کشورهای اروپایی به دارا بودن یک دولت قوی است که همزمان قادر به حفظ قدرت خود و ایفای نقش منطقه‌ای خود برای رفع بحران‌های جاری است. واقعیت این است که اضطرار ژئوپلیتیک منطقه‌ای کشورهای غربی را در مسیر دستیابی به توافق هسته‌ای با ایران قرار داده است. عدم تعامل با ایران در سال‌های گذشته محدودیت استراتژیک برای کشورهای غربی در حل بحران‌های منطقه‌ای و سرکوب حرکت‌های تروریستی مثل داعش ایجاد کرد. این تحول کشورهای غربی را در حل بحران‌های منطقه‌ای و سرکوب حرکات تروریستی مثل داعش را ایجاد کرد. غرب پذیرفت که نمی‌توان نقش ایران را در معادلات منطقه‌ای و حتی جهانی نادیده گرفت. از این لحاظ حضور ایران در مذاکرات صلح سوریه بیشتر با موافقت امریکا و اصرار کشورهای اروپایی بر مبنای رویکرد جدید غرب به نقش ایران در دوران پسا برجام به عنوان یک کارگزار ثبات بخش برای حل این بحران است. به عبارت دیگر، اهمیت برجام بر مبنای نگاه جدید ژئوپلیتیک قدرت‌های غربی نسبت به نقش ایران در ایجاد ثبات منطقه است.

مشروعیت مخالفت عربستان با برجام در مجموعه غرب و در سطح بین‌المللی پذیرفتنی نیست. در حالی که عربستان سیاست تهاجمی در بمباران یمن و اخلال در

روند صلح سوریه از طریق حمایت از تروریست های تکفیری را دنبال می کنند، به همان اندازه مخالفت ها بر ضد این کشور در غرب افزایش می یابد. قدرت های جهانی با اعمال هرگونه سیاست های جنگ طلبانه در منطقه به خصوص به لحاظ گسترش تروریسم مخالف هستند. ژئوپلتیک برجام حتی معادله روابط با روسیه، چین، هند و ژاپن را به نفع ایران تغییر داده است. در شرایط بهبود روابط ایران با اروپا و آمریکا این کشورها به سرعت خواهان توسعه روابط همه جانبه با ایران شده اند. حل معضل استراتژیک هسته ای و مشارکت ایران در حل مسائل منطقه ای از جمله بحران داعش بر اهمیت ژئوپلتیک ایران نزد آنان افزوده است. برجام در پرتو فهم درست قدرت های جهانی از ضرورت پذیرش درست نقش منطقه ای ایران در تامین صلح و امنیت منطقه ای ایران در تامین صلح و امنیت منطقه ای و به خصوص تروریسم داعش اجرایی شد.

سیاست خارجی ایران باید از ظرفیت ژئوپلتیک دوران پسا برجام و روابط متعادل با قدرت های بزرگ برای رفع تنش های منطقه ای و پیشبرد رویکردهای توسعه ای و رونق اقتصادی استفاده کند. رشد گروه های تروریستی در سالهای گذشته در خاورمیانه نشان دهنده فصل جدیدی از مسایل امنیتی در منطقه است (حاتمی، ۱۳۹۴، ۴۵).

### نتیجه گیری

داعش قدرتمندترین تبلور از سازمان تروریستی است که تحت نام شاخه القاعده در عراق و پس از حمله سال ۲۰۰۳ آمریکا به عراق شکل گرفت. با توجه به ابعاد بالای اثر گذاری بحران داعش، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز در ابعاد ملی، منطقه ای و بین الملل دچار تاثیر شد. متاثر از ظهور داعش در منطقه، جمهوری اسلامی ایران در تلاش است تا نقش خود را به عنوان یکی از بازیگران محور مقاومت در منطقه خاورمیانه و در نظام بین الملل کنونی معرفی کند. مطابق مفروضه های سازه انگاران منبع هویتها در نظام بین الملل نیز بر پایه اصول، قواعد و هنجارهای داخلی و رویه

اجتماعی بین‌المللی می‌باشد. بنابراین مفاهیم متعددی چون امنیت، تهدید، دوستی، اتحاد و ائتلاف بر اساس نظام ارزشی و هویتی بازیگران شکل می‌گیرد. نکته اساسی در رویکرد سازه‌انگاری آن است که نمی‌توان سیاست بین‌الملل را در حد یک سلسله تعاملات و رفتارهای عقلایی و در چارچوب صرف مادی و نهادی در سطح ملی و بین‌المللی تقلیل داد، زیرا تعاملات دولتها صرفاً بر اساس یک سلسله منافع ملی تثبیت شده شکل نگرفته، بلکه در طول زمان به صورت نوعی الگوی رفتاری از طریق هویت‌ها شکل می‌یابند. هویت جمهوری اسلامی ایران بر اثر هنجارهای اسلامی و تصورات بیرونی شکل گرفته است.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی در ارتباط با عراق و سوریه با توجه به اصول مندرج در قانون اساسی و با توجه به هنجارها و ارزش‌های فرهنگی و تاریخی در قالب هویت اسلامی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. زیرا جدای از عوامل مادی، حوزه مشترک در روابط ایران و سوریه سیاست مشترک برای حفظ هویت مقاومت در خاورمیانه است.

در شرایطی که منطقه در آستانه تغییرات جدیدی است به نظر می‌رسد که:

۱. نقش سازنده و تأثیرگذار ایران به‌عنوان یکی از قدرت‌های منطقه پس از ظهور بحران داعش تثبیت شده است.

۲. استقرار امنیت، تقویت صلح، ثبات و نیز رفع تهدیدات تروریستی مورد پذیرش و اجماع جهانی قرار گرفته است. این خود می‌تواند سبب‌ساز افزایش نقش و نفوذ منطقه‌ای و اعتبار جهانی ایران به‌عنوان بازیگری مسئول و فعال باشد.

بحران داعش در میان تمام کشورهای منطقه دارای اثرات جدی مثبت و منفی بوده است. در روابط بین‌الملل تمامی کشورها بعد از وقوع بحران داعش، در چارچوب مناسبات دسته‌بندی کشورها از این بحران در راستای افزایش قدرت و اعتبار ملی خود استفاده کردند. عربستان، قطر و ترکیه در یک گروه و ایران، عراق و سوریه در دسته بندی دیگر قرار گرفتند. عربستان برای مقابله با نفوذ تشیع و اطمینان یافتن از این مسأله

که تسنن بر جهان اسلام تفوق دارد، هر اقدامی را انجام می‌دهد. ریاض پس از برجام احساس خطر می‌کند که تهران موقعیت بهتری پیدا کند. از نظر تحلیل‌گران داعش نمایشگر ایدئولوژی وهابی است که سعودی‌ها قادر به کنترلش نیستند. با سقوط طالبان در افغانستان و صدام در عراق، بیشترین منافع متوجه ایران شد. حکومت‌هایی در این دو کشور بر سرکار بودند که تا پیش از آن در زمره تهدیدات اصلی علیه کشور محسوب می‌شدند اما پس از سرنگونی طالبان و صدام، ایران تنها کشوری بود که بالاترین میزان نفوذ را در این کشورها به دست آورد.

اما در سوی دیگر، عربستان سعودی با پشتوانه مالی هنگفت نفتی که در اختیار دارد در سالهای اخیر به روش‌های مختلفی سعی کرده با ایران موازنه‌سازی کند و بتواند برای خود نقش فعالی را در خاورمیانه ایفا کند.

یکی دیگر از کشورهای اثر گذار در این بحران، ترکیه است. ترکیه، داعش را به‌عنوان ابزاری برای سرنگونی دولت بشار اسد در سوریه تلقی می‌کند. با ظهور گروه تروریستی داعش که محصول جنگ داخلی سوریه می‌باشد، ترکیه در مواجهه با این گروه نقش حمایت‌کننده را ایفا کرد، حتی در تحولات عراق این ترک‌ها بودند که نسبت به سقوط عراق از سوی تروریست‌های داعش با بی‌تفاوتی در گفتار اما حمایت از داعش در عمل، این اقدام را تأیید می‌کردند.

بازیگری اتحادیه اروپا به ویژه انگلستان در بحران عراق نیز در سایه اختلافات درونی این اتحادیه تا حدودی مشابه آمریکا و در سطحی پایین‌تر از این کشور در راستای جلوگیری از گسترش تهدیدات گروه‌های تکفیری برای اروپا نیز مشغول کردن آن‌ها در منطقه خاورمیانه و ممانعت از بازگشت آن‌ها به اروپا خواهد بود. در خصوص سازمان ملل و با عنایت به صف‌بندی جدید شورای امنیت پس از حوادث اوکراین، می‌توان رویکرد آنان را در حد اعلام مواضع از سوی دبیر کل سازمان ملل و دفاع از

خصیصه تأثیرگذاری فعالانه دید.

با توجه به جریانات فوق در نهایت میتوان گفت که ظهور داعش در ابعاد داخلی، منطقه ای و بین المللی سیاست خارجی ایران باعث شده است که ضمن انسجام و همسانی دیدگاه ها در داخل، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عراق و سوریه مبتنی بر حفظ تمامیت ارضی دو کشور، افزایش قدرت شیعیان، حفظ اماکن متبرکه در سوریه، حفظ حاکمیت سیاسی بشار اسد و حفظ محور مقاومت شکل بگیرد. در عین حال اختلاف دیدگاه ها و بعضا تقابل با برخی کشورهای منطقه همچون عربستان، ترکیه و قطر نتیجه منطقه ای، تعامل و همکاری با قدرت های بزرگ نتیجه بین المللی، ظهور داعش در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

### منابع

- ازغندی، علیرضا (۱۳۹۴)، چارچوب و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ ششم، تهران، انتشارات قومس.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ پنجم، تهران، انتشارات قومس.
- برزگر، کیهان (۱۳۹۴)، گزارش نشست اعتدال و افراط در منطقه خاورمیانه، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- دهقانی فیروز آبادی، جلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات سمت.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، چاپ هفتم، تهران، انتشارات سمت.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۸)، روابط بین الملل: رویکردها و نظریه‌ها، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت.
- مسجد جامعی، محمد (۱۳۹۵)، ایران و جهان عرب: تحولات ژئوپلیتیک ایران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، تهران.
- یورگن، تودنهوفر (۱۳۹۴)، ده روز با داعش از درون دولت اسلامی، ترجمه علی عبداللهی و زهرا معین‌الدینی، تهران، انتشارات کوله پستی
- پرهوده، کامران (۱۳۹۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مسئله بیداری اسلامی با بررسی موردی بحرین و سوریه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۴)، «شکل‌گیری داعش در پویش جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، دوره هشتم، شماره ۳۰، تابستان، دانشکده علوم سیاسی،

دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.

- دهقانی فیروزآبادی، جلال (تابستان ۱۳۸۷)، «سیاست خارجی رهایی بخش: نظریه انتقادی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و دوم، شماره دوم.

- عباسی، محمود (تابستان ۱۳۹۳)، «سنخ‌شناسی داعش»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال پانزدهم، شماره ۵۸،

- فلاحی، علی (پاییز ۱۳۸۰)، «سازنده‌گرایی در سیاست خارجی»، فصلنامه راهبرد، شماره بیست و یکم.

- کسرای، محمد سالار، داوری مقدم، سعید (۱۳۹۳)، «برآمدن داعش در خاورمیانه: تحلیل جامعه‌شناختانه»، فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره اول.

- هادیان، ناصر (۱۳۸۲)، «سازه‌انگاری از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، مجله سیاست خارجی، شماره ۶۸،

- روزنامه اعتماد، ۱۳۹۴/۱۰/۲۱.

- سایت خبری انتخاب، ۱۳۹۳/۸/۲.

- سایت خبری خبر آنلاین، ۱۳۹۳/۶/۱.

- خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۳/۳/۱.

- Cockburn, Patrick, (2015), **The Rise of Islamic State ISIS and the New Sunni Revolution**, London, Verso Books Press.

## **The Rise OF ISIS and Its Impact on Foreign Policy of Islamic Republic of Iran**

Ardeshir Sanaie<sup>1</sup>

Assistant Professor of International Relations at Islamic Azad University,  
Central Tehran Branch

Mona Kaviyanpor

Ph. D Student of Political Science at Islamic Azad University, Central  
Tehran Branch

### **Abstract**

Beginning of every crisis has different causes and factors, such as historical, geopolitical, economic, social and cultural. Sometimes, governments tend to bane their relation not only on formal grounds, but also they sometimes limited their compliancy from terrorist groups in international relation of countries. ISIS is the most brutal terrorist organization among all armed groups in Middle East region. After America attacked, Al-Qaida in Iraq was the founder of the formation of the Islamic state. After Syria unrest intensifies, ISIS came from Iraq to Syria. Rise of ISIS in Iraq and Syria has different consequence in the Middle East and in most part of word. Several Countries have also been involved with ISIS phenomenon and inevitably in contrast of it they had various measures. Islamic Republic of Iran was directly at odd with ISIS, because its territorial integrity and political regime has challenged Iran's regional allies. It was also a threat for Iran in terms of its ideology and security. Therefore, Iran's foreign policy is influenced by the emergence of the Islamic State was forced to apply strategies to deal with it. This article attempts to use the framework of constructivism to check the rise if ISIS and its impact in the foreign policy of Islamic republic of Iran in regional and international level.

**Key words:** ISIS, foreign policy of Islamic Republic of Iran, terrorism, Middle East.

---

1- Email: ardeshir\_sanaie@yahoo.com